مروری بر عملیات کربلای ۴ در گفت‌وگوی «جوان» با نویسنده کتاب «گزیده‌ای بر آنچه در کربلای ۴ گذشت»

عدم‌الفتحی که دشمن دوبرابر نیروهای خودی تلفات داد

احمد محمدتبریزی

بیش از ۳۰ سال از زمان عملیات کربلای ۴ می‌گذرد و همچنان حرف و حدیث‌های زیادی درباره این عملیات وجود دارد. دشمن بعثی با تمام قوا آماده مقابله با رزمندگان بود و با این وجود نیروهای ایرانی توانستند خطوط مستحکم دشمن را بشکنند و پیش بروند. هرچند در ادامه الحاق‌ها به‌خوبی شکل نگرفت و دستور عقب‌نشینی صادر شد. با وجود عدم‌الفتح در عملیات، تلفات زیادی از دشمن گرفته شد و کربلای ۴ پایه‌گذار عملیات بزرگ کربلای ۵ شد. «محمود نجیمی» از رزمندگان لشکر ۱۴ امام حسین(ع) در این عملیات حضور داشت و پشت سر غواصان وارد منطقه عملیاتی شد. نجیمی که به تازگی کتاب «گزیده‌ای از آنچه در کربلای ۴ گذشت» را نوشته است، در گفت‌وگو با «جوان» از چگونگی عملکرد نیروهای خودی و وضعیت جبهه‌ها در عملیات کربلای ۴ می‌گوید که در ادامه می‌خوانید.

شهید حسن خرازی در جمع غواصان

وضعیت نیروها و جبهه‌های ما قبل از انجام عملیات کربلای ۴ به چه شکل بود؟

سال ۱۳۶۵ سال سختی برای رزمندگان بود. چون ما انتهای سال ۱۳۶۴ عملیات والفجر ۸ را انجام داده بودیم که تا ۸۰ روز بعد از شروع سال ۱۳۶۵ همچنان به نوعی درگیر آن بودیم. هنوز برای شهدا و جانبازان این عملیات جایگزینی نیامده بود. والفجر ۸ عملیات خیلی خوبی بود ولی تعداد جانبازان و شهدایش زیاد بود. این عملیات از دشمن هم تلفات زیادی گرفت. در والفجر ۸ کار نویی را انجام دادیم و به نوعی سر عراقی‌ها کلاه گذاشتیم. به بعثی‌ها نشان دادیم می‌خواهیم در هورالعظیم عملیات کنیم، به نیروهای ارتش هم گفته شد که در شلمچه عملیات کنند، عراقی‌ها فکرشان درگیر این دو منطقه شد. هواپیماهایشان این دو منطقه را بمباران می‌کرد و نیروهای شناسایی‌شان در این مناطق درگیر بودند. هر یگانی هم یک گروهان به هورالعظیم فرستاد. زمانی که من به همراه آقای ابوشهاب، جانشین لشکر ۱۴، به هورالعظیم رفتم می‌گفتم حتماً در اینجا علمیات انجام خواهیم داد. هر کسی رزمندگان پشتیبانی، کمپرسی‌ها و قایق‌ها و مقرها را می‌دید می‌گفت حتماً در این منطقه عملیات انجام می‌شود. یک بار دشمن را اینجا فریب دادیم. پس از آن در کشور حرف از اعزام سپاه یکصدهزار نفری شد. برای اولین بار چنین جذب نیروی گسترده‌ای صورت می‌گرفت. همه برای این کار بسیج شده بودند تا جایگزین نیروهای عملیات والفجر ۸ شوند. در این نیرو جذب کردن حرف‌هایی از دهان برخی رجال سیاسی بیرون آمد که امسال سال سرنوشت‌ساز جنگ است. این جذب نیرو و مانور دادن‌ها و تبلیغات، دشمن را به تحرک وا داشت.

دشمن فعالیت‌ها و مانورهای داخلی ما را رصد می‌کرد؟

دشمن ما قَدَر بود و اصلاً دشمن ضعیفی نبود. آنها شرایط داخلی ما را رصد می‌کردند و هواپیماهایشان مناطق صنعتی نظامی و حتی غیرنظامی را بمباران می‌کردند. از نیمه دوم سال ۱۳۶۵ بمباران‌های دشمن شروع شد. هواپیماهایشان از پادگان‌های ما عکسبرداری می‌کردند و به دنبال جمع کردن اطلاعات بودند. آنها احتمال می‌دادند که ما یک عملیات بزرگ انجام خواهیم داد. منطقه کربلای ۴ برعکس عملیات والفجر ۸ بود. در والفجر ۸ ما دشمن را زیر آتشمان داشتیم. یعنی حدود ۱۰۰ کیلومتر از مناطق دشمن حتی تا گارد ریاست جمهوری‌شان زیر آتش توپخانه ما بود. در کربلای ۴ دقیقاً بالعکس شد. ما از دشمنمان جناح نداشتیم و آنها در شلمچه و ابوالخصیب و البهار از ما جناح داشتند. توپخانه‌هایشان که در البهار بودند به‌راحتی می‌توانستند جبهه فاو و خرمشهر و آبادان که محل پشتیبانی نیروهایمان بودند را بزنند. با چشم غیرمسلح تردد نیروها در جاده شلمچه دیده می‌شد و از همه بدتر اینکه آنها از انجام عملیات توسط ما آگاه شده بودند و آمادگی مقابله داشتند.

به والفجر ۸ اشاره کردید؛ عملیاتی که از حیث مسائل اطلاعاتی واقعاً یک شاهکار بود.

البته در والفجر ۸ هم همان شب اول عملیات، دشمن نورافکن‌هایش را روشن کرد. فرمانده تیپی که اسیر کردیم می‌گفت گزارش نوشته بودم که ایرانی‌ها اینجا تحرکاتی دارند و می‌خواهند عملیات کنند اما فرمانده‌های عراقی به این نتیجه نرسیده بودند که نیرویی بتواند از رود خروشان اروند عبور کند. لذا می‌گفتند ایرانی‌ها از اینجا عملیات انجام نمی‌دهند و از هورالعظیم عملیات خواهند کرد. در کربلای ۴ به لحاظ موقعیت منطقه چند مشکل داشتیم؛ یکی اینکه منطقه کاملاً در دید و تیررس دشمن بود، دوم اینکه کالک عملیات لو رفته بود و سوم اینکه در شناسایی‌ها اسیر داده بودیم. یکی از غواصان شهید به نام محمد هوشمند که از دوستانمان بود در شناسایی‌ها اسیر شده بود. همچنین در علمیات والفجر ۸ لشکر ۱۰ سیدالشهدا(ع) در جزیره ام‌الرصاص عملیات موفقیت‌آمیزی را انجام داده بود و دیگر دشمن نمی‌گفت کسی نمی‌تواند از اروند عبور کند. بعثی‌ها می‌گفتند ایرانی‌ها در والفجر ۸ از اروند عبور کردند، پس باز هم می‌توانند این کار را انجام دهند و مناطق استراتژیکمان را بگیرند. همه اینها دست‌به‌دست هم داد تا عراقی‌ها آمادگی‌شان بالای صددرصد شود. با این حال شناسایی‌ها خیلی خوب انجام شد و در گزارش‌هایی که بچه‌های اطلاعات نوشتند حتی تعداد منورهای دشمن را هم آورده بودند ولی درنهایت ادامه عملیات به مشکل برخورد.

انجام عملیات در چنین شرایطی تصمیم درستی بود؟

ما عملیات‌های موفق دیگری هم داشتیم که لو رفته بود. فتح‌المبین هم لو رفته بود ولی ما موفق شدیم. حتی در الی بیت‌المقدس که این پیروزی زیبا را داشتیم و بیشترین تعداد اسیر را از دشمن گرفتیم عراقی‌ها می‌دانستند که حتماً در این منطقه عملیات انجام خواهیم داد و آمادگی‌اش را داشتند ولی ما عمل کردیم و موفق هم شدیم. اینکه در کربلای ۴ موفق نبودیم دلیل‌های بین‌المللی هم دارد. وقتی فاو را گرفتیم تمام کشورهای عربی که بیشترین کمک را به صدام می‌کردند، به‌ویژه کویت، از او ناامید شدند. گفتند تنها راه آب کشورت را ایرانی‌ها از تو گرفتند. امیر کویت به صدام گفته بود که آنقدر بی‌عرضه‌ای که ایران را همسایه ما کردی. اینجا صدام می‌خواست آبروی رفته‌اش در والفجر ۸ را در عملیات بعدی برگرداند. غلامرضا علیزاده که در بلجانیه اسیر شد تعریف می‌کرد که ماهر عبدالرشید گفته بود ما برای هر یک نفر شما ۱۰ سرباز و تانک و نفربر گذاشته بودیم. بعد از نیروهای ایرانی طلبکار بود که چرا دیر حمله کردند و دو شب هست که چشم‌انتظارتان هستیم. چون عملیات یک شب عقب افتاد. عده‌ای می‌گویند عراقی‌ها ساعت عملیات را می‌دانستند که باید گفت همه عملیات‌های ما شب بود و نیازی نبوده که دشمن ساعت را بداند. ما غروب تا طلوع خورشید را برای عملیات کردن نیاز داشتیم. ما هر کاری می‌خواستیم بکنیم باید در شب اول عملیات انجام می‌دادیم. اگر عملیاتمان مثل کربلا۴ می‌شد که می‌خواستند آبروی رفته‌شان در والفجر ۸ را برگردانند کار خیلی سخت می‌شد. با وجود اینکه عراقی‌ها بالای صددرصد آمادگی داشتند بچه‌های ما توانستند خط دشمن را بشکنند. چون اینها تجربیات خوبی در والفجر ۸ به دست آورده بودند و از آن به نحو احسن استفاده کردند. به‌رغم اینکه در جلسات متعددی توجیه شده و منطقه را چندین بار شناسایی کرده بودیم اما چون دشمن از انجام عملیات ما آگاهی داشت دست به ابتکاراتی هم زد. موانع لب آب را بیشتر کرد، سنگرهایش بیشتر از عملیات والفجر ۸ شده بود و سنگرها را لب ساحل گذاشته بود و دریچه تیربار را دقیقاً همسطح با مد آب قرار داده بود. این کار را کرده بود تا تیر تراش روی سطح آب را بزند تا به غواص‌هایمان بخورد. غواصان ما هم ابتکار کردند و از لوله‌های اشنوگل استفاده کردند. به این لوله‌ها، لوله پولیکا هم اضافه کردند تا در عمق بیشتری در آب باشند و تیر نخورند.

> از ۱۵ غواص پیشتاز یک نفرشان زخمی شد. این ۱۵ نفر بدون شهید خط دشمن در بلجانیه را شکستند و با شهید خرازی تماس گرفتند که ما خط را شکسته‌ایم، گردان‌های سواره شناور را بفرستید. در ام‌الرصاص هم بچه‌ها خط را شکستند. فرمانده گروهان غواصمان به نام آقای مهدی مظاهری با اینکه سه تا تیر به سینه‌اش خورده بود و بیسیم‌چی‌اش حسن فاتحی شهید شده بود، گروهانش را می‌کشد و خط ام‌الرصاص را می‌شکند. کجا چنین حماسه‌هایی را می‌توانید پیدا کنید

محمود نجیمی از رزمندگان حاضر در عملیات کربلای ۴

اگر در ادامه عملیات جناحین ملحق می‌شدند امکان موفقیت برایمان وجود داشت؟

من تا به حال چندین بار مناطق عملیاتی را دیده‌ام. اگر همه یگان‌ها می‌آمدند و ما خودمان را به پشت جاده آسفالت بصره به فاو می‌رساندیم و همان‌جا می‌ماندیم، اگر فشار می‌آوردیم و این مسیر را باز می‌کردیم شاید موفق می‌شدیم. اگر در کربلای ۴ جاده را می‌گرفتیم و نمی‌توانستیم از یک مسیر دیگری به دشمن فشار بیاوریم، باز به مشکل برمی‌خوردیم. چون دشمن تصمیم گرفته بود هرطوری هست حتی به قیمت نابودی ارتشش ما را در این عملیات شکست بدهد. ساعت ۱۱ شب عراقی‌ها اعلام کردند بزرگ‌ترین عملیات سرنوشت‌ساز ایران را ناکام کردیم. اگر از شلمچه راهی باز نمی‌شد ما توان اینکه از سه سمت با دشمن بجنگیم را نداشتیم. باز عملکرد نیروها خیلی خوب بود. لشکر ۷ ولی‌عصر(عج) دزفول خط را شکستند و از سمت راست خوب پیش رفتند چون جزیره‌ای جلویشان نبود. تا جاده آسفالت رفتند ولی هدفشان پشت جاده آسفالت بود. سمت راستشان دشمن بود ولی در منطقه ال مانندی خوب مقاومت کردند و تلفات خوبی از دشمن گرفتند. سمت راستشان لشکر ۳۲ انصار همدان عمل کرد. غواصانشان خوب عمل کردند ولی اتفاقی کارشان را سخت کرد. قایق‌هایشان باید از کارون می‌رفت و پشتیبانی‌شان می‌کرد ولی تقاطع اروند و کارون از شدت آتش بسته شده بود. آن سمت بچه‌های شیراز موفق نشدند و از خط موفقیت‌آمیز بچه‌های دزفول استفاده کردند. آن قسمت‌ها خوب عمل شد. مشکل ما از جزیره ام‌الرصاص شروع شد. ما جزیره را کامل در اختیار گرفتیم. یعنی لشکر ۲۵ کربلا، نجف، امام حسین(ع) به اهدافشان رسیدند اما هدف گرفتن جزیره ام‌الرصاص نبود و هدف آن طرف جزیره بلجانیه بود که به جاده فاو- بصره می‌خورد. گیر اصلی عملیات قسمتی از جزیره ام‌الرصاص و جزیره بلجانیه و بوارین و ماهی بود. اینجا تنگه‌ای وجود داشت که هرکسی اسمی برایش گذاشته بود. ما اسمش را تنگه مرگ گذاشته بودیم و می‌دانستیم اگر کسی در تنگه کوتاهی کند قلع و قمع خواهیم شد و متأسفانه همین اتفاق هم افتاد. ساعت ۱۰ شب برای خیلی از یگان‌ها دستور عقب‌نشینی آمد اما برای لشکر ۱۴ چنین دستوری نیامد. با این حال باز ما موفق شدیم ولی از موفقیت ما استفاده نشد. دشمن برای مقابله با ما آمادگی کامل داشت و اگر بر ادامه عملیات پافشاری می‌شد تعداد شهدا خیلی زیاد می‌شد.

تعداد شهدای غواصمان در کربلای ۴ چند نفر بودند؟

اینکه گفته می‌شود سینه ساحل از غواصان سیاه شده بود حرف درستی نیست. به عنوان اولین گردانی که بعد از غواصان می‌خواستیم به بلجانیه برویم و موفق نشدیم و به جزیره ام‌الرصاص رفتیم در ساحل ام‌الرصاص چنین صحنه‌ای را ندیدم. بچه‌های ما بیشتر در خشکی دشمن شهید شده بودند. یعنی توانستند خط را بشکنند و پیشروی کنند. ۱۵ غواص پیشتاز بودند که توانستند خط دشمن را در بلجانیه بشکنند. از این ۱۵ نفر یک نفرشان زخمی شد. این ۱۵ نفر بدون شهید خط را شکستند و با شهید خرازی تماس گرفتند که ما خط را شکسته‌ایم و گردان‌های سواره شناور را بفرستید. در ام‌الرصاص هم بچه‌ها خط را شکستند. فرمانده گروهان غواصمان به نام آقای مهدی مظاهری با اینکه سه تا تیر به سینه‌اش خورده بود و بیسیم‌چی‌اش حسن فاتحی شهید شده بود، گروهانش را می‌کشد و خط ام‌الرصاص را می‌شکند. کجا چنین حماسه‌هایی را می‌توانید پیدا کنید بینید با ما غواصی کرده بودند و توانسته بودند خط دشمن را بشکنند. این کار بسیار بزرگی است که غواصانمان انجام داده بودند.

با این وجود تلفات زیادی از دشمن گرفتیم؟

اول درباره شهدای خودمان بگویم که کسی تا به‌حال آمار دقیقی از شهدای کربلای ۴ نداده است. بعثی‌ها برای جنگ روانی رقم‌های اغراق‌آمیزی را در روزنامه‌هایشان نوشتند. لشکر ۱۴ بیش از بقیه یگان‌ها در کربلای ۴ جنگید و یک شبانه‌روز بیشتر در منطقه حضور داشت و می‌جنگید و باید تعداد شهدایش بیشتر باشد و بقیه یگان‌ها باید کمتر از ما شهید داشته باشند. لشکر ۱۴ امام حسین طبق آمار بنیاد شهید حدود ۵۶۳ شهید داد. چون لشکر ۱۴ فقط ۵ گروهان غواصی وارد عمل کرد. در این عملیات حدود ۱۰ یگان وارد عمل شدند. در خط اول عراقی‌ها در هر سنگری که برای دو تا چهار نفر ساخته شده بود حدود هشت تا ۹ نفر عراقی در آن حضور داشت. برای مثال اگر ما ۳ هزار شهید در کربلای ۴ داده باشیم به جرئت می‌گویم دست کم ۶ هزار نفر از عراقی‌ها را کشتیم. این را بچه‌هایی که اسیر شدند و روز منطقه را دیدند می‌گویند. یکی از دوستان خوزستانی‌ام که در کربلای ۴ اسیر شد می‌گوید بعثی‌ها ما را سر کشته‌هایشان می‌بردند و شروع به زدن می‌کردند و می‌گفتند ببینید با ما چه کار کردید. عراقی‌ها در این عملیات خیلی تلفات دادند. موفقیت در عملیات آنقدر برایشان حیثیتی شده بود که اسمش را «حصادالاکبر» یعنی «دروی بزرگ» گذاشته بودند. ولی چنان بزرگ هم نبود. می‌توانم بگویم شهدای کربلای ۴ با تنگه چزابه که عراقی‌ها غافلگیرمان کردند و روی سرمان ریختند برابری می‌کند. یا شهدای خیبر ما بیش از کربلای ۴ بیشتر است. چون اینجا پیروزی به دست نیاوردیم برخی شروع کردند فشار آوردند و آب در آسیاب دشمن ریختند. در صورتی که قرار نیست ما در همه عملیات‌ها موفق شویم. عراق از سال ۱۳۶۴ به بعد یک به ۱۰ می‌جنگید. من وقتی امکانات لجستیکی لشکر امام حسین(ع) را می‌بینم می‌فهمم چقدر محدودیت و کمبود امکانات داشتیم. مهمات و خمپاره بین فرمانده گروهان‌ها سهمیه‌بندی می‌شد. باید این موارد را مدنظر بگیریم. به قول شهید سوداگر باید بلوغ دشمن را در نظر بگیریم. دشمن ما دیگر به بلوغ کامل رسیده بود. دنیا هم به این نتیجه رسیده بود اگر جلوی ایران را نگیرد حکومت صدام را منهدم می‌کند. این را وابسته نظامی ارتش عراق در آن زمان می‌گفت. او تعریف می‌کرد من را به بغداد فرستادند و با سران استخبارات عراق جلسه گرفتم و گفتم هرچه اطلاعات می‌خواهید به شما می‌دهم، به جبهه‌هایشان می‌رفتم و ضعف جبهه‌هایشان را می‌گفتم. بعثی‌ها مستشار امریکایی و روسی و عربی داشتند. همه کمک صدام بودند و ما این سمت به تنهایی می‌جنگیدیم. از آن طرف به عراقی‌ها اختیار تام داده بودند به طور وسیع از سلاح شیمیایی استفاده کند. بیشترین سلاح شیمیایی که عراق در طول جنگ استفاده کرد همین کربلای ۴ بود. هیچ‌وقت سابقه ندارد عراقی‌ها روز اول چهار تا پنج بار منطقه را بمباران شیمیایی کنند.

> چون اینجا پیروزی به دست نیاوردیم برخی شروع کردند فشار آوردند و آب در آسیاب دشمن ریختند. در صورتی که قرار نیست ما در همه عملیات‌ها موفق شویم. عراق از سال ۱۳۶۴ به بعد یک به ۱۰ می‌جنگید. من وقتی امکانات لجستیکی لشکر امام حسین(ع) را می‌بینم می‌فهمم چقدر محدودیت و کمبود امکانات داشتیم

جدول

طراح: علیرضا سجادی فر ■ شماره ۵۸۲۵

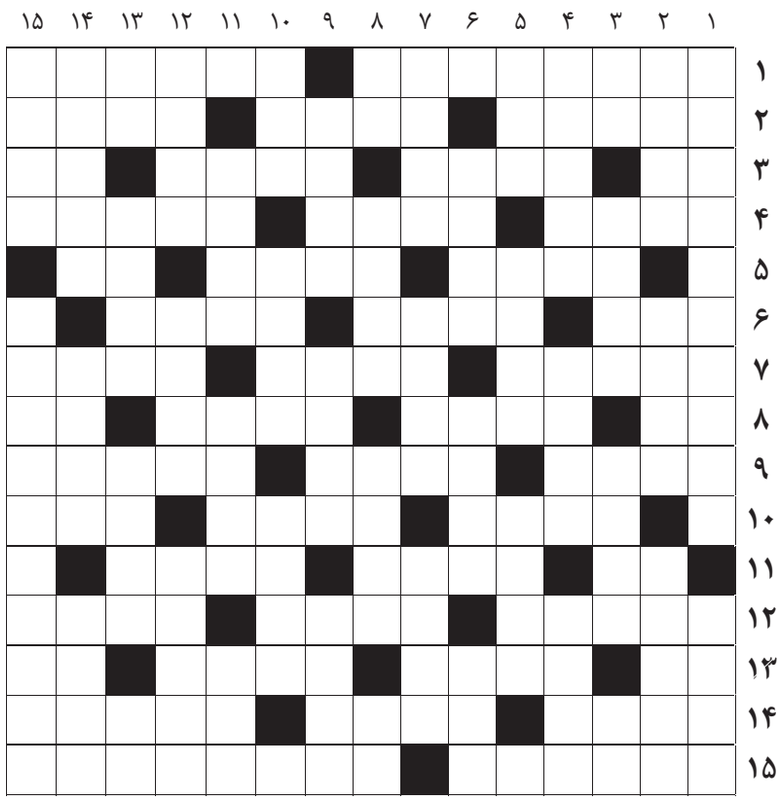

از راست به چپ

■ ۱- کشور یوسین بولت- درخودماندگی ■ ۲- وصف چایی داغ- قسمتی از زمان- فخر و مباهات بی مورد ■ ۳- حرف خطاب- پایتخت غنا- فرشته موکل بر دین و تدبیر امور- از اقمار مشتری ■ ۴- نفرین‌کننده- از دانه‌های روغنی- حیوانی که در آتش نمی‌سوزد ■ ۵- سوره بنی‌اسرائیل- پایتخت پرو- همراه ناله ■ ۶- سدی در تهران- غذای خوشمزه ایرانی- نام سوریان، از نوابغ کشتی فرنگی ■ ۷- از الف تا ی- پایتخت آل سعود- شیپور بزرگ ■ ۸- زنده- ماهی دانشگاهی- نعمت- دریا ■ ۹- مرقد- فانتزی- مخترع میکروسکوپ ■ ۱۰- میوه ترش و شیرین- سالک- پدر آذری ■ ۱۱- جنبش- تالار فرانسوی- مصون ■ ۱۲- شطرنج‌باز بنام ایران باستان- وسیله‌ای در فرمان خودرو- سزاوارتر ■ ۱۳- آش- پناهگاه- توهم- علامت پیروزی ■ ۱۴- هدیه دادن- بیماری کم‌خونی- وسایل ■ ۱۵- خون‌پالایی- از استان‌های کردنشین عراق

از بالا به پایین

■ ۱- نویسنده سرگذشت کندوها- نمدمال ■ ۲- پرنده‌ای حلال گوشت- جست‌وخیز چهارپایان- بالاترین رنگ ■ ۳- فلز سرچشمه- خداشناس- کشف رازی- تصدیق روسی ■ ۴- بیعانه و پیش‌پرداخت- آفریدگار- آرزوها ■ ۵- پیشقراول- گنج- قطعی ■ ۶- پدال- صبر زرد- موسیقی سیاهان ■ ۷- بزرگان- زبان پاکستان- زبان ■ ۸- صدمتر مربع- خواجه و آقا- نویسنده فرانسوی هوراس- فلز رسانا ■ ۹- ورزش چمن و یخ- ورم پای دندان- ممسک ■ ۱۰- ارسباران فعلی- دفترخانه اسناد رسمی- رشته کوهی در امریکا ■ ۱۱- ایالتی در هند- میوه موکتی- درد و رنج ■ ۱۲- مقابل تأخر- یگانه- رمان گورکی ■ ۱۳- دریا- سرسلسله افشاریه- فناوری مرتبط با ذرات ریز- ضمیر اشاره ■ ۱۴- بامدادان- فنا- از اشکال هندسی ■ ۱۵- ریاکار- لقب امام رضا

جدول سودوکو

ارقام ۱ تا ۹ را طوری قرار دهید که در هر ردیف، ستون و مربع‌های کوچک سه در سه فقط یک بار به کار روند.

		۵	۸		۶	۷		
	۶	۸	۲					
								۴
			۴		۷			
						۸		۵
۱	۲							
				۲			۱	
۸	۹			۶			۷	
		۶		۳				

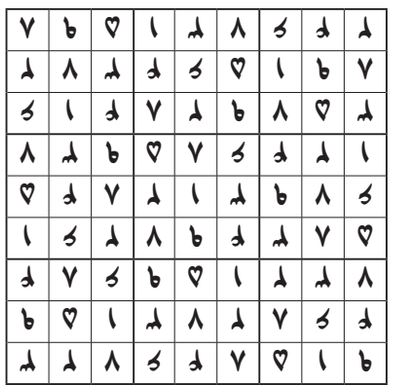

جدول کلمات متقاطع
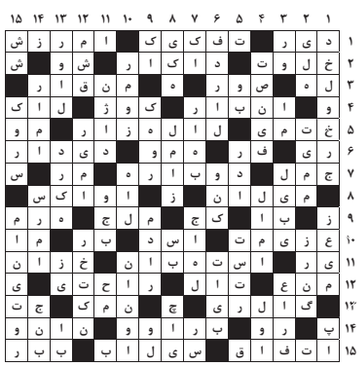
پاسخ جدول شماره ۵۸۲۴